

## نقش وزرای شیعه مذهب در اقتدار فاطمیان و گسترش تشیع در مصر

### عباس شیرمحمدی

دانشجوی دکتری تاریخ اسلام، واحد یادگار امام خمینی (ره) شهرری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران  
abbasshirmohamadi19987@gmail.com

### مهدی گلجان (نویسنده مسئول)

استادیار گروه تاریخ واحد یادگار امام خمینی (ره) شهرری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران  
m.goljana14@gmail.com)

### فرشته سادات اتفاق فر

استادیار گروه تاریخ واحد یادگار امام خمینی (ره) شهرری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران  
fereshtehetefagh@yahoo.com

فصلنامه علمی پژوهشی تاریخ (شاپا) ۲۰۰۸-۲۰۱۱ سال ۱۷ شماره ۶۵ - صفحه ۳۸-۲۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۳/۲۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۵/۸

### چکیده:

نهاد وزارت یکی از نهادهای موثر در ساختار سیاسی حکومت فاطمیان بود و آنها هم مانند دولت عباسیان دو نوع وزارت تنفیذ و تفویضی داشتند که در دوره اول وزرای تنفیذ بودند و خلیفه در راس قدرت بود، ولی با روی کار آمدن بدرالجمالی در سال ۴۶۶ق. وزارت تفویض آغاز شد و وزرا قدرت اصلی در دستگاه خلافت فاطمی بودند. سوال اصلی پژوهش حاضر آن است که وزرای فاطمی چه نقشی در گسترش تشیع و عقاید شیعی در مصر داشتند؟ فرضیه پژوهش آن است که برخی از وزرای فاطمیان که انتساب آن به شیعه بودن مشهور هست، نقش بسزایی در گسترش تشیع و عقاید شیعی در مصر داشتند. بر اساس یافته های این پژوهش که به روش توصیفی-تحلیلی سامان یافته، اقدامات و اصلاحاتی که وزرای شیعی مذهب فاطمیان در دوران وزارت خویش انجام داده اند، نقش موثری در استقرار دولت آنان و گسترش عقاید شیعی در شمال آفریقا داشته است.

**واژگان کلیدی:** فاطمیان، تشیع، وزرات، مصر

### ۱. مقدمه

خلافت فاطمیان در سال ۲۹۷ق. در شمال آفریقا توسط عبیدالله المهدی بنیان گذاشته شد. در این دوره که از سال ۲۹۷ تا ۳۶۲ق. به طول انجامید، فاطمیان تشکیلات سیاسی، اداری تقریباً ساده ای داشتند، اما با انتقال مرکز خلافت از آفریقه به مصر آنان نهادهای سیاسی، اداری و مالی پیچیده ای که برگرفته از نظام اداری و مالی عباسیان بود تاسیس کردند؛ یکی از نهادهای که در این دوره تاسیس شد و بعدها در حکومت فاطمیان نقش بسزایی داشت، نهاد وزارت بود. نهاد وزارت در ساختار سیاسی یکی از ارکان مهم حکومتی و از بالاترین مقام های دولتی محسوب می شد. فاطمیان تا زمانی که در آفریقه بودند منصب وزارت نداشتند و خلیفه در راس قدرت بود. خلفای اولیه فاطمیان در امور حکومتی با عده ای از افراد مورد اعتماد مشورت می کردند، ولی پس از آن که مرکز خلافت را به مصر انتقال دادند، تحت تاثیر آداب جوامع شرقی به ویژه ایرانیان اقدام به بکارگیری وزیر کردند. در نیمه اول عصر فاطمیان، وزیران قدرت محدود و معینی داشتند که این دوره به عصر «وزارت تنفیذ» معروف است. با توجه به اینکه وزیران در طول تاریخ به عنوان مغز متفکر شاهان و خلفا اعمال نفوذ می کرده اند، در این دوره نیز وزیران خلفای فاطمی نقش زیادی در تحکیم و ترویج تشیع در شمال آفریقا داشتند، به ویژه در دورانی که وزرای «تفویضی» در راس قدرت داشتند و در همه امور اختیار تام داشتند. به عنوان نمونه وزیران شیعه و صاحب نفوذی مانند «بدرالجمالی» که اهل شمشیر و هم اهل قلم بودند، نقش زیادی در تحکیم و اقتدار حکومت فاطمیان داشت. او زمانی وزارت خلیفه فاطمی (المستنصر) را بر عهده گرفت که خلیفه بازیچه دست نظامیان و فرماندهان شده بود. او با کاردانی و تدبیر توانست اوضاع بی سر و سامان دولت فاطمی را سر و سامان دهد و در استقرار مجدد حکومت فاطمیان در مصر موفق بود. همچنین در عهد این وزیر تلاش های گسترده ای برای گسترش مذهب تشیع در شمال آفریقا انجام شد و امور دیوانی را بیشتر به اسماعیلیان می سپرد. دیگر وزیران فاطمی نیز که چند تن از آنان از فرزندان و وابستگان بدرالجمالی بودند، در این دوره صاحب اقتدار بودند و در تحولات سیاسی و فرهنگی خلفای فاطمی نقش آفرینی کردند و با برپایی مراسم و شعائر شیعی مانند مراسم عید غدیر و عزاداری عاشورا که هر دو صرفاً جنبه شیعی داشتند در گسترش تشیع در مصر نقش بسزایی ایفا کردند.

## ۲. پیشینه پژوهش

با توجه به اهمیت دولت فاطمیان مطالعات و تحقیقات بسیاری در زمینه های تاسیس خلافت و تاریخ سیاسی، مذهبی و فرهنگی آنان صورت گرفته است. در برخی از منابع و تحقیقات جدید به موضوع وزارت در دولت فاطمیان اشاره شده است؛ کتاب تاریخ تمدن اسلام اثر جرجی زیدان به مقام وزارت و این که در ممالیک اسلامی وزارت چند قسم است اشاره کرده است. در کتاب ساختار دینی فاطمیان در مصر اثر فاطمه جان احمدی به نهاد وزارت و وزرا فاطمی اشاره شده است. کتاب تاریخ فاطمیان و حمدانیان اثر محمد علی چلونگر به وزرای معروف این دوره اشاره شده است. در بیشتر منابع عربی این دوره همچون کتاب تاریخ الدوله الفاطمیه اثر محمد جمال الدین سرور به عصر نفوذ وزراء در دوره دوم خلافت فاطمیان در مصر و در کتاب الوزراء و الوزراء فی عصر الفاطمی اثر محمد حمدی مناوی به نهاد وزارت و وزرای معروف فاطمی اشاره شده است.

در این زمینه برخی از پایان نامه ها و مقالات هم به نهاد وزارت اشاره شده است. از جمله راضیه عزیزاده اقدم در مقاله با عنوان تاثیر عوامل نظامی بر تحولات مصر در عصر المستنصر به نهاد وزارت اشاره شده است. و صدیقه آینه وند در پایان نامه خود تحت عنوان نقش وزرای نظامی در تحولات سیاسی مصر عصر فاطمی کوشیده است که به بررسی آغاز روی کار آمدن وزرای نظامی و نقش آن ها در تحولات سیاسی در عصر فاطمیان بپردازد. با این حال در رابطه با نقش وزرای خلفای فاطمی در گسترش تشیع در شمال آفریقا تاکنون تحقیق و پژوهش علمی انجام نشده است. از این روی این پژوهش تلاش می کند به جوهی از این تاثیرگذاری بپردازد.

## ۳. نهاد وزارت در اسلام

وزارت در لغت از «وزر» به معنی پناهگاه و نهان و یا از «وزر» به معنای سنگینی و بار و در اصطلاح سیاسی یکی از شغل های سلطانی و رتبه های ملوکی است (حلبی، ۱۳۹۰: ۵۵) و یا از ماخوذ از موازره به معنی معاونت است؛ یعنی وزیر کسی است که سنگینی ها و بارها و مهمات را بر عهده می گیرد (ابن خلدون، ۱۳۵۷: ۴۱۰). تشکیلات سیاسی مسلمانان از همان ابتدا به دو طبقه عمده یعنی درگاه و دیوان تقسیم می شد و سلطان وظایف دستگاه را به امرا یا اهل شمشیر و کارهای اداری را به ماموران دیوانی یا اهل قلم تفویض می کردند (داودی، ۱۳۷۷: ۳۴).

وزارت از بالاترین مقامات دولتی بود و عرب‌ها ابتدا از این مقام اطلاعی نداشتند و در دوران حکومت اسلامی به سبب از میان رفتن پایه‌های پادشاهی و سادگی اسلام کلمه وزیر در بین مسلمانان متداول نبود (حلبی، همان: ۵۶). اصطلاح وزارت بر اساس منابع و هم به عقید برخی از محققان اروپایی و عرب از تشکیلات دولت ساسانی اقتباس گردیده است و به تدریج در دوره اسلامی شکل گرفت و ادارات و زیر مجموعه آن پدید آمد (شهیدی پاک، ۱۳۹۲: ۱۰۶).

در اوایل حکومت اسلامی در دستگاه خلافت شخصی به نام حاجب بود که به امور خلافت رسیدگی می‌کرد و پس از آن که قلمرو مسلمانان گسترش یافت به جای حاجب وزیر امور را در دست گرفت (ابن خلدون، همان: ۴۱۲/۱). با روی کار آمدن دولت بنی امیه اصطلاح وزارت در این دوره چندان مرسوم نبود و همچنان عنوان حاجب مورد استفاده قرار می‌گرفت. (زیدان، ۱۳۸۹: ۱۱۶/۴).

به گفته ابن خلدون «چون عباسیان به خلافت رسیدند و شکوه پادشاهی بزرگ شد و مراتب اهمیت یافت‌شان و پایه وزیر بالا رفت و در اجرای امور و حل عقد کارها جانشین و نایب خلیفه بود و پایه وزیر در دستگاه دولت عباسی اهمیت یافت» (ابن خلدون، همان: ۴۱۳). «در دیوان محاسبات صاحب نظر شد، در تقسیم مستمرهای سالیانه لشکریان نظارت می‌کرده در چگونگی گردآوری و مخارج آن هم نظر می‌داد، امور قلم و نامه‌نگاری زیر نظر او قرار گرفت. مقام وزارت شمشیر و قلم را در دست گرفت، نخستین وزیر خاندان عباسی ابوسلمه حفص بن سلیمان معروف به ابوسلمه خلال وزیر سفاح بود» (همان: ۱۱۷).

در دوره دوم خلافت عباسی، وزارت به اوج کمال قانونی رسید. وزیر به دلیل کیفیت و کمیت اختیاراتش همه امور را سامان می‌داد و نایب خلیفه بود (شهیدی پاک، همان: ۱۰۸) و در اواخر قرن سوم وزارت به منصب بسیار مهمی تبدیل شده بود که نباید از نقش و حضور غیر قابل اجتناب دبیران و وزرا در امور غفلت کرد امیران و وزیران گردانندگان امور حکومتی بودند (قادری، ۱۳۹۴: ۸۱).

فاطمیان تا زمانی که در افریقیه بودند، تشکیلات اداری ساده ای داشتند، در این دوره منصب وزارت نداشتند (لوئیس و دیگران، ۱۳۶۳: ۱۸۲) و خلیفه هم رئیس دولت بود، هم فرمانده سپاه بود. خلفای اولیه فاطمیان در امور با عده ای از اشخاص مورد اعتماد مشورت می کردند (معزی، ۱۳۹۰: ۱۶۲) در دوره خلافت القائم چند تن از بزرگان دولت فاطمی به تدریج برخی از وظایف وزیر را بر عهده داشتند، ولی عملاً در زمان المعز و العزیز منصب وزارت شکل گرفت (چلونگر، ۱۳۹۰: ۱۴۵).

سادگی کارهای اجرایی موجب شد که آنان تنها به چند دیوان برای رسیدگی به امور اداری، مالی و نظامی نیازمند باشند و همین سادگی امور و قدرت خلیفه آنان را مقام وزارت بی نیاز کرده بود (قاضی نعمان، ۱۴۱۶: ۱۷۸). با انتقال مرکز خلافت فاطمیان از افریقیه به مصر، فاطمیان تشکیلات اداری گسترده ای را تاسیس کردند. گسترش قلمرو آنان بافتح نواحی مختلف سبب شد فاطمیان برای اداره این قلمرو نظام سیاسی و اداری گسترده ای را تاسیس کنند. در این دوره نهاد وزارت هم شکل گرفت و این نهاد به یکی از نهادهای موثر در ساختار سیاسی حکومت فاطمیان تبدیل شد و نقش تعیین کننده در قدرت سیاسی فاطمیان داشت (دفتری، ۱۳۸۶: ۲۵۷-۲۵۸).

وزیر جایگاه ویژه ای در بین دیوانسالاران داشت و پس از خلیفه بالاترین قدرت را در اختیار داشت. مدیریت دارایی و امور کشور بر عهده آنان بود و باید میان دخل و خرج، درآمد و هزینه های کشور تعادل ایجاد می کردند و در هنگام بودجه بندی تعادل ایجاد می کردند و بر امور مملکت نظارت داشتند (ابن الصیرفی، ۱۹۲۴: ۲۲-۲۳). وزارت تا دوره المستنصر فاطمی، منصب وظیفه ای بود که حکم حائل و واسطه ای میان خلیفه و دیوانیان و سایر دستگاه های اجرایی داشت. در دولت فاطمی اکثر وزرا از اصحاب قلم و از رجال دیوانی و کشوری بودند. کارکرد دیوانیان در راس آنها وزیر، عبارت بود از اجرای کلیه اوامر خلیفه، رسیدگی به امور دیوان، نظارت بر لشکر، نظارت بر امور مالیه، نظارت بر امور اداری بود (منادی، ۱۱۱۹: ۴۰-۴۱) آنان عموماً بر اساس فضایل، استعدادها و شرایط لازم بدون هیچ توجهی به وابستگی دینی و قومی، نژادی انتخاب می شدند و این سیاست روشن می سازد که چرا چند تن از مسیحیان موفق شدند به مقام وزارت دولت فاطمیان برسند (دفتری، ۱۳۷۸: ۹۱-۹۲). برخی از آنان به عنوان وزیر و برخی به عنوان وساطه نامیده می شدند. امور وزارت را در اختیار

می گرفتند. یهودیان برای بدست آوردن منصب وزارت و مناصب مهم دیوانی و اداری اغلب آیین اسلام را اختیار می کردند (چلونگر، همان: ۱۴۷).

وزارت در مصر هم مانند سایر ممالک اسلامی به دو شکل بود؛ وزارت تنفیذ و وزارت تفویض. در نیمه اول حکومت فاطمیان وزارت تنفیذ بود، وزیران دارای قدرت معین و محدودی بودند وزیر طبق نظر خلیفه کار می کرد و واسطه خلیفه با مردم بود (همان: ۱۴۵-۱۴۶) این دوره وزارت را که حدود نیمه قرن پنجم ق. به پایان می رسد وزیران تنفیذ صاحب قلم هستند و برخی از وزیران تنفیذ از اهل ذمه بودند، بسیاری از وزیران مسلمانان هم مذهب غیر از مذهب دولت فاطمیان داشتند (ناصری طاهری، ۱۳۷۹: ۱۲۶). این نوع وزرا توسط خلیفه منصوب و معزول می شدند و حدود اختیارات آنان به امور دیوانی محدود می شد. وزیر در کار خود استقلال ذاتی و رای نداشت (حلبی، همان: ۶۱). وزیران این دوره از ابن کلس در سال ۳۶۷ ق. آغاز و با وزارت حسن بن علی یازوری در ۴۴۲ ق. به پایان رسید (معزی، همان: ص ۶۳).

دوره دوم وزارت تفویض می گویند. چون وزیران قدرت مطلق هستند و سپاه نیز در سلطه خود آنان بود به وزیران این دوره «اصحاب السیف» می گفتند. وزیران تفویض علاوه بر نظارت بر دیوان ها در تعیین روسای دیوان ها نیز رای او از آنان بود. در عصر تفویض، قاضیان و داعیان نیز نمایان وزیر بودند و از القاب وزیران تفویض، کامل، قضاة المسلمین و هادی دعاه المومنین بود (ناصری طاهری، همان: ۱۲۶). وزاری این دوه کسانی بودند که خلیفه به رای خود یا از روی اجبار آنان را منصوب می کرد، اما عزل آنان از عهده خلیفه خارج بود؛ بنابراین وزارت آنان تا زمان مرگشان ادامه داشت. مسوولیت آنان نامحدود بود و علاوه بر امور دیوانی و مالی بر دستگاه قضا و دستگاه دعوت فاطمیان ریاست می کردند (معزی، همان: ۱۶۳). وزارت تفویض از دوره بدرالجمالی در سال ۴۶۶ ق. آغاز شد و وزرای بعد از او هم روش بدرالجمالی را در پیش گرفتند و به تقلید از بدرالجمالی القابی را برای خود تعیین کردند (چلونگر، همان: ۱۴۵).

## ۵. وزیرای فاطمی و تحکیم دولت فاطمی و گسترش تشیع

### ۱-۵. جوهر صقلی

جوهر صقلی (وزارت ۳۴۵-۳۶۷ق.) در خانوادگی مسلمان در جزیره سسیل به دنیا آمد (الصنهاجی، ۱۳۷۸: ۶۵). برخی او را مغربی و او را ارمنی می دانند، اما بیشتر مورخان او را رومی الاصل می دانند (ابن اثیر، ۱۳۸۲: ۸/ ۵۹۰). جوهر به علت شایستگی های خود در دوران المعز به مقام وزارت رسید (همان: ۵۲۴/۸). تا این زمان کسی به مقام وزارت منصوب نشده بود (مناوی، همان: ۳۴). او به دلیل خدمات زیادی که برای فاطمیان انجام داده بود به مقامات و مراتب بالا رسید. جوهر از بنیان حکومت فاطمیان در مصر و شمال افریقا بود (کراچگوفسکی، ۱۳۷۹: ۱۵۵). المعز سپاهی مجهز به فرماندهی ابوالحسن جوهر مامور تصرف شهر تاهرت کرد که در دوم جمادی الاول سال ۳۴۷ق. به تاهرت رسید و بعد از تصرف تاهرت سجلماسه و تمام شهرهای اطراف آن را تصرف کرد (زیدان، همان: ۸۱۱/ ۳). پس از فتوحاتی که جوهر انجام داد، المعز لقب القائد به او داد. جوهر در در سال ۳۵۸ق. از قیروان حرکت کرده و مصر را تصرف کرد و در روز دوم جمادی الاول سال ۳۵۹ به مسجد طولون رفت و در خطبه های نماز جمعه نام عباسیان را از خطبه انداخت (صنهاجی، همان: ۳۷۰) او به عنوان نایب الحکومه چهار سال در مصر حکومت کرد. المعز فاطمی در هشتم رمضان سال ۳۶۲ق. به مصر آمد و آنجا را مقرر را خلافت قرار داد (حسن، ۱۳۸۴: ۳/ ۵۰۲).

جوهر پس از فتح مصر تعدای از رجال و اعیان دولت اخشیدی که در مصر باقی مانده بودند را با هدایایی نزد المعز فرستاد (ابن خلدون، همان: ۷۲/۳). در بدو ورود به مصر شهر قاهره را پایه گذاری کرد (حافظ ابرو، ۱۳۷۵: ۱/ ۲۹۷) و آن را منصوریه نامید و در شهر کاخ ها و بناها و جوامع زیادی ساخت (تامر، ۱۹۸۰: ۴/ ۶۰). در روز جمعه بیستم شعبان ۳۵۸ق. در مسجد عتیق خطبه به نام المعز خواند (الصنهاجی، همان: ۶۳). جوهر در یک حرکت بزرگوارانه در جمع بزرگان و نمایندگان برجسته ی مصر، امان نامه ای را امضا کرد که در آن علل فتح مصر را بیان کرد و این که اهداف دولت جدید که عبارت بودند از: ایمن نگه داشتن راه های برای زائران، از سرگرفتن جهاد علیه بیزانسی ها، اصلاح مسکوکات و لغو مالیات های غیر قانونی بیان کرد (واکر، ۱۳۸۳: ۴۴-۴۵). جوهر تمام رجال اداری و قضایی دولت پیشین را عمدتاً بر سر کار گذاشت و یک بربر کتافی را به عنوان ناظر در کنار دست هر

مامور دولتی قرار داد و این کارها انتقال سریع تر حکومت به دولت فاطمیان و احیای اقتصاد کشور آسان تر کرد (ایمن فواد، ۲۰۰۷: ۱۴۳) و هنگام قحطی در مصر اعیان و ثروتمندان را به دستگیری از فقرا دستور داد. او توانست از قحطی و گرانی و هلاکت مردم جلوگیری کند به طوری که از مغرب کمک مالی طلبید و انبارهای غله را گشود و در میان مردم نیازمند توزیع کرد و به انتظام امور پرداخت (تامر، ۱۳۷۷: ۱۵۱-۱۵۲) و از افراد قبایل بربر برای محافظت از قصرهای خلفا استفاده کرد (رشاد، ۱۳۷۳: ۱۶۲). جوهر صقلی با سیاست و نرمش با مصریان رفتار کرد، عفو عمومی صادر کرد و در ملاء عام مردم را بر جان و مالشان ایمن ساخت. دستور داد نام مطیع خلیفه عباسی را از خطبه انداختند و نام المعز در خطبه خوانده شود (قره چانلو، ۱۳۸۰: ۱۴۰/۲). اما آزادی های دینی را محترم شمرد و شیوه های شیعی عبادت را ترویج کرد. او به اوضاع مالی مملکت پرداخت و از کتاهی ها و مغربی ها در کارها استفاده کرد (دفتری، ۱۳۸۶: ۲۰۳). و در سال ۳۵۸ از پوشیدن لباس سیاه و خواندن خطبه به نام بنی عباس جلوگیری کرد و دستور داد جامه سفید بپوشند. او به موذنین دستور داد در اذان حی علی خیر العمل بخوانند و اذان به شیوه شیعیان خوانده شود (همدانی، ۱۳۸۱: ۳۰). سپس در روز جمعه ۲۶ جمادی الاول سال ۳۵۹ هجری قمری بعد از اینکه اذان به شیوه شیعیان خوانده شد، قنوت را به رکعت دوم نماز جمعه هم افزود و تکبیر بعد از نماز جمعه خوانده شد (ایمن فواد، همان: ۱۴۵) و بعد از خطبه های نماز بر محمد (ص) و حضرت علی (ع)، فاطمه (س)، امام حسن و امام حسین (ع) نثار شود (ابن تغری بردی، ۱۹۳۵: ج ۴، ص ۳۲). سکه به نام المعز به جای خلفای عباسی ضرب کرد (حسن، همان: ۳۲/۴).

دعوت به مذهب شیعه در دوره ی تصدی جوهر در تمامی مساجد مصر مانند جامع ابن طولون و جامع الازهر اجرا شده و دعوت تبلیغات مذهب شیعه به دست رئیس تبلیغات و معاونین و دعاه انجام می گرفت. در این دوره تلاش زیادی برای جلب مردم مصر به مذهب شیعه شد. همچنین جوهر دستور داد که دیوارهای جامع عمر را مرکب سبز شعار علویان بنویسند و جامع الازهر را مرکز نشر عقاید شیعه قرار داد (سیف آزاد، ۱۳۴۱: ۱۳۶-۱۳۷). جوهر شعائر و مناسک شیعی را با احتیاط به اجرا گذاشت علاوه بر خواندن اذان به شیوه های شیعیان در روز عید غدیر دستور داد جشن برگزار کنند



و در روز عاشورا شیعیان به عزاداری پردازند (واکر، همان: ص ۴۶). جوهر صقلی به مدت چهار سال بر مصر حکومت کرد و هرج و مرج آنجا را پایان داد و بعد از برقراری امنیت در مصر از المعز دعوت کرد و تمام مقام ها جز فرماندهی کل را به او واگذار کرد؛ جوهر تا سال ۳۶۷ق. امور فاطمیان را اداره می کرد که در این سال معز اداره امور و وزارت را به ابن کلس واگذار کرد و جوهر تا پایان عمر فقط فرماندهی کل بر عهده داشت؛ و او در سال ۳۸۱ق. درگذشت (خواندمیر، ۱۳۵۵: ۴/۵۵۵).

#### ۲-۵. یعقوب بن کلس (وزارت ۳۶۷-۳۷۳ق.)

یعقوب بن کلس در هجدهم شعبان سال ۲۵۶ق. در بغداد در یک خانواده یهودی به دنیا آمد (تامر، ۱۹۸۰: ۱۱۵/۵). نسب او به قول برخی از مورخان به بهرون بن عمران می رسد. او یهودی بود و بعد مسلمان شد (خواندمیر، ۲: ۱۳۸۰/۴۵۵). وی مدتی در خدمت اخشیدیان بود و سپس برای فرار از حسادت و خصومت ابن فرات مصر در سال ۳۵۷ق. ترک کرد (عماد زاده، ۱۳۷۰: ۴۸۸) و به دربار فاطمیان در مغرب رفت و به خدمت المعز درآمد و همراه او به مصر رفت و سپس امور دولت فاطمیان را در سال ۳۶۷ق. به عهده گرفت و در دوره خلافت العزیز با لقب وزیر الاجل وزارت را به عهده گرفت (کاشانی، ۱۳۶۶: ۸۱). یعقوب بن کلس، اولین وزیر رسمی بود که در عهد فاطمیان به منصب وزارت رسیده بود. او با عسلوج بن حسن که به عنوان معاونش منصوب شده بود امور اداری حکومت فاطمیان را اداره می کرد. او سازمان دولتی را در بخش اداری، قضایی و تبلیغی ترسیم کرد، وزیر امور اداری بر عهده گرفت، امور قضایی بر عهده قاضی القضاة و امور تبلیغی بر عهده داعی الدعات قرار گرفت و عایدات وسیع آنان را از تجارت و بازرگانی و هزینه زیاد امور عمومی و آثار مذهبی را سر و سامان داد. او به دلیل شناخت کامل از مصر در تنظیم درآمدها و هزینه ها و امور مالی کمک زیادی به دولت فاطمی کرد و همچنین بعد از پذیرش آیین اسماعیلی در گسترش این آیین نقش زیادی ایفا کرد (واکر، همان: ص ۵۸). یعقوب بن کلس کسی بود که جایگاه ممتازی در تثبیت و تقویت مذهب شیعه داشت و در بین مردم حضور پیدا می کرد و قانون شیعه را برای آنان قرائت می کرد. در این قانون قضاة ملزم بودند که احکام شیعه را رعایت کنند (حسن، ۱۹۳۲: ۲۲۵).

ابن کلس دانشمندی بلند پایه در علوم مختلف بود و در فقاہت هم به رتبه کمال رسید و رساله ای در باب فقه اسماعیلی به نام «الرساله الوزیریہ» بر پایه اقوال خلفای فاطمی، المعز و العزیز تألیف کرد و مجالس الحکمه برای اسماعیلیان که تازه به این مذهب گرایش پیدا کرده بودند برپا کرد و از الازهر به عنوان یک دانشگاه برای آموزش و گسترش مذهب بهره برد (دفتری، ۱۳۸۶: ۲۱۶-۲۱۷).

ابن کلس، الرساله الوزیر را خود تدریس می کرد و روزانه بیش از دو هزار نفر به این مجلس درس او می آمدند (سیف آزاد، همان: ۹). ابن کلس خلیفه را علم دوستی و معاشرت با علما تشویق می کرد، دانشمندانی را به خدمت خلیفه در آورد و به ترویج علم تشویق می کرد و همچنین خلیفه را برای تأسیس کتابخانه تشویق کرد که این امر باعث شد العزیز در کاخ اختصاصی خود کتابخانه بزرگی دایر کند که آن را خزانه الکتب (زیدان، همان: ۳/۶۳۳). او شاعری درخشان و نامور بود و به طور مرتب بعد از نماز جمعه به وضعیت فقها رسیدگی می کرد و به لطف ابن کلس مذهب اسماعیلی در منابر موصل و یمن انتشار یافت (مناوی، همان: ص ۱۳۳). او همچنین از مسجد الازهر برای اشاعه تعلیمات اسماعیلی استفاده می کرد و مکانی برای فقیهان و دانشمندان و ادیبان و شعرا در قصر فراهم کرد و بعدها از این فقیهان برای نشر عقاید اسماعیلی بهره برد (داج، ۱۳۶۷: ۱۱).

### ۳-۵. بدر الجمال (وزارت ۴۶۶ تا ۴۸۷ ق.)

بدر ابوالنجم جمالی ملقب به سید اجل امیرالجیوش، در آغاز قرن پنجم هجری متولد شد. او از اهالی ارمنستان و از برکشیدگان دولت فاطمی و از موالی آنان در مصر بود. اطلاعات کافی از اوایل زندگی بدر در سوریه یعنی قبل از انتصابش به عنوان فرمانده ارتش در دست نیست و قبل از وزارت حاجب امیر دمشق بود، امیر دمشق چون او را مردی کاردان یافت امور بیرون از دربار خود را به سپرد (ابن خلدون، ۱۳۸۳: ۱۰۱/۳) و هنگامی که فرمانده سپاهیان عکا بود در جمادی الاولی ۴۶۶ ق. به تقاضای خلیفه فاطمیان به مصر آمد (لوئیس، ۱۳۶۲: ۱۸۱). او به این شرط که سپاهیان خود را همراهش به مصر ببرد تقاضای خلیفه را پذیرفت (دفتری، ۱۳۸۶: ۲۳۷).

بدر الجمالی هم اینکه بر اوضاع مسلط شد خود را وزیر خواند و خلیفه نیز او را پذیرفت و در همان آغاز به امیرالجبوش معروف گشت و این لقب برای نخستین بار به کار رفت. او از میان نظامیان برخاسته بود و قدرت او متکی به نیروهای افواج سپاهیان خود بود (معزی، همان: ۱۶۴). با وزارت او، راه برای مهاجرت ارمنی ها به مصر فراهم شد. بدر پس از به دست گرفتن وزارت بر همه جنبه ها و وجوه حکومتی استیلای کامل یافت و سرانجام وی همه قدرت های یک دیکتاتور نظامی را کسب کرد و حتی مناصب های مهم در دولت فاطمیان را کسب کرد (سیف آزاد، همان: ۶۲).. بدر الجمالی شیوه ای را که فاطمیان حکومت می کردند را تغییر داد و فرمانده واقعی مصر شد. بدر الجمالی ضمن پایان دادن به منازعات داخلی بحران موجود در میان سپاهیان دولت فاطمی را نیز پایان داد. او اوضاع اقتصادی مصر را اصلاح کرده و قیمت ها را پایین آورد، پس از تثبیت اوضاع داخلی مصر متوجه حجاز شده و تلاش های خود را برای بازگرداندن سیادت فاطمیان بر حجاز دنبال کرد. این اقدام او با بهره گیری از شرایطی بود که برای سلجوقیان و عباسیان پدید آمده بود (الخرابشه، ۱۳۸۵: ۳۶).

اقدامات بدرالجمالی در پیشرفت و اقتدار دولت فاطمی نقش بسزایی داشت. او باعث ایجاد امنیت برای تجارت شد و مالیات های که قبل از او به جیب سرداران جنگ می رفت به دولت مرکزی برگرداند و نظارت بر خرج و هزینه بر عهده دولت افتاد. او دیوار جدید پیرامون قاهره بنا کرد و سه دروازه و عمارت و بناهای زیادی به دستور او ساخته شد (واکر، همان: ص ۸۶-۸۷). و در سال ۴۶۷ق. دوباره خطبه به نام فاطمیان که بعد از چند سال قطع شده بود مجددا خواند و مالیات های کشاورزان را به مدت سه سال بخشید و شرایط کشاورزان را بهبود بخشید (فواد سید، همان: ۲۱۲).

بدر به اصلاح مذهب اسماعیلی پرداخت و تلاش کرد شعائر شیعه اسماعیلی را احیا کند و اذان شیعی را با «حی علی خیرالعمل» اعاده کرد و دروس مذهبی اسماعیلی را منظم کرد و مقابله با اهل سنت پرداخت و گروهی از علمای آنان را به قتل رساند و امور قبطیان را نظم بخشید (چلونگر، همان: ۱۰۴-۱۰۵). او اعلام کرد که بر مردگان فقط پنج بار تکبیر بخوانند (حسن، همان: ص ۲۲۹).

بدر همچنین حمله اتسنز به مصر را سرکوب کرد و به یادبود این پیروزی مناره ها و مساجد زیادی در مناطق مختلف ایجاد کرد (لوئیس و دیگران، همان: ۲۱۱). بدر الجمالی به مذهب امامیه پایبند بود

و برای گسترش آن اقدامات گسترده ای انجام داد و نواحی که امرا به نفع خود تصرف کرده بودند پس گرفت و اموالی که سرداران از دستگاه خلافت برده بودند، از آن ها پس گرفت. او به رعایا نیکی می کرد و خرج سه ساله را به آنان بخشید و بنای مشهد در قاهره بر قله کوه المقطم مشهور به جیوشی و مشهد راس الام الحسین بود(فضایی، ۱۳۷۴: ۵۹). استمرار خلافت المستنصر مدیون وزارت بیست ساله بدرالجمالی است، ساختار سیاسی خلافت فاطمیان نظم و ترتیبی می یابد سازمان دعوت گسترده شد و نهاد وزارت اهمیتی روز افزون یافت و وظایف خطیری پیدا کرد و الفاظ و القابی که به وزیر اختصاص می یابد و نهاد وزارت به معنای خاصی در دوره المستنصر شکل گرفت. قدرت وزیران از روزگار بدرالجمالی به بعد چشمگیر شد، به گونه ای که رفته رفته مقام خلیفه دستگاه خلافت تحت شعاع قرار گرفت. فاطمیان در دوره های قبل میان وزیر، امیرالجیوش، داعی الدعوات، قاضی القضاة و شخص خلیفه تقسیم می شد. اما بدرالجمالی تمام این مناصب را در دست گرفت و همه قدرت به عنوان میراثی ابتدا به فرزند بدرالجمالی، افضل رسید و سپس سایر وزیران به پیروی از او تمامی ارکان قدرت را در دست گرفتند(معزی، همان: ۱۵۷-۱۵۸). امیرالجیوش پس از طی کردن یک دوره بیماری در سن ۸۰ سالگی در ذی القعدة ۴۸۸ق. در گذشت.

### ۴-۵. دیگر وزرای فاطمی:

ابوعبدالله محمد بن فاتک ملقب به مامون بطائحی، در امور سیاسی مردی آگاه بود و به دستور او برای اولین بار ثبت اسامی مردم و چگونگی حالات آنان شروع شد که بنام اوراق التقی معروف است. همچنین ثبت اسامی مسافری نیز از اقدامات اوست و دایره احصائیه فاطمیان را تاسیس مرد و از زنان آگاه در امور استفاده کرد.(لوئیس و دیگران، همان: ۲۲۷). در دوره او، بیشتر رسوم و جشن های شیعیان که به دلیل اوضاع نامناسب مصر و در پی تسلط افضل، بر دولت از بین رفته بودند و برگزار نمی شدند مجددا احیا کرد. دوره خلافت الامر و وزارت مامون بطائحی از دوران درخشان خلافت فاطمیان در مصر بود(فواد سید، همان: ۲۳۵-۲۳۷).

احمد بن شاهنشاه بن بدرالجمالی، لقب وی امیرالجیوش ابوعلی ملقب به کتیفات بود. هنگامی که الحافظ لدین الله بر مسند خلافت نشست ابوعلی احمد بن افضل را به منصب وزارت تفویض منصوب

کرد(خواندمیر، ۱۳۵۵: ۲۲۵/۴). بعد از رسیدن به این سمت تحول جدیدی در تاریخ دولت فاطمیان ایجاد کرد. او مذهب اثنی عشری را مذهب رسمی دولت اعلام کرد و حافظ خلیفه فاطمی را زندانی کرد(کاشانی، همان: ۱۲۲). بعد حکومت امام دوازدهم را که از سال ۲۶۰ق. در غیبت به سر می برد اعلام کرد. کتیفات اینک شیعه دوازده امامی شده بود(دفتری، ۱۳۷۸: ۱۵۰).

او سعی در گسترش مذهب امامی داشت و در این راستا پایان سلسله فاطمیان را اعلام کرد و از آغاز حکومت امام دوازدهم خبر داد و در راه تضعیف مذهب اسماعیلی در مصر و گسترش مذهب امامیه قدم های برداشت. او چهار قاضی را تعیین کرد؛ یکی از شیعه امامی، یکی شیعه اسماعیلی و دو نفر از اهل سنت که هر کدام بر طبق مذهب خود عمل می کردند، معنای این تحولات اتخاذ تشیع امامی به جای مذهب اسماعیلی به عنوان مذهب رسمی فاطمیان بود(چلونگر، همان: ۱۲۵-۱۲۶). با این حال سیاست های او در میان طرفداران فاطمی موجب نارضایتی گردید.

طلّاح بن رزیک(وزارت ۵۴۹ تا ۵۵۶)، از شیعیان اثنی عشری بود که در شهر منیه از بلاد مصر فرمان می راند. با روی کار آمدن طلّاح گونه دیگری از وابستگی دینی این سلسله از وزیران پدید آمد و معروف به داشتن مذهب اثنی عشری بود. ولی در حقیقت نصیری بود که فرقه ای گمنان از فرق شیعه بود که امامان، مذهب امامیه را قبول داشتند، ولی در مواردی دیگر معتقدات متفاوتی با امیه داشتند. او به عنوان وزیر و با لقب ملک الصالح آخرین طرفدار واقعی سلسله فاطمیان بود که این سمت را داشت(واکر، همان: ۱۰۵-۱۰۶). ابن رزیک نسبت به خاندان اهل البیت ارادت خاصی داشت(لویس و دیگران، همان: ۲۳۹). وی کتابی در فقه شیعی به نام «الاعتماد فی الرد علی اهل العناد» نوشت(ناصری طاهری، همان: ۸۵).

#### نتیجه گیری:

نهاد وزارت یکی از ارکان مهم دولت فاطمیان در مغرب اسلامی و بخصوص مصر بود. از بین وزاری فاطمی، جوهر صقلی و یعقوب بن کلس و دیگر وزرای که گرایش های شیعی داشتند در دودوران حضور فاطمیان در مغرب، نقش بسزایی در تحکیم دولت فاطمیان داشته و اقدامات زیادی برای گسترش عقاید شیعی در مصر انجام دادند. از جمله اقدامات جوهر این بود که دستور داد؛ اذان به شیوه شیعیان خوانده شود و شیوه ی عبادت شیعی را ترویج داد و یعقوب نیز خدمات زیادی در

زمینه گسترش عقاید شیعی و اقتدار دولت فاطمیان انجام داد. ادر دوره دوم که از عهد بدر الجمالی شروع می شود با وجود اقتدار وزراء، آنان به دولت فاطمی وفادار مانده و در تحکیم و گسترش قلمرو فاطمیان و عقاید اسماعیلی نقش بسزای داشتند. بدر شعائر شیعه اسماعیلی را احیا کرد و دروس مذهبی را منظم کرد و به مقابله با اهل سنت پرداخت. امیر الجیوش ابوعلی ملقب به کتیفات نواده بدر الجمالی مذهب فاطمیان را تغییر داد و مذهب شیعه امامی را ترویج داد. وزرای بعد از افضل هم شیعه دوزاده امامی بودند تا روی کار آمدن اسدالدین شیرکوه و برادر زاده اش صلاح الدین ایوبی که سی مذهب بودند و در نهایت خلافت فاطمیان توسط صلاح الدین سقوط کرد.

#### منابع و ماخذ:

۱. ابن اثیر، عزالدین (۱۳۸۲)، تاریخ الکامل، ج ۸، تهران، اساطیر
۲. ابن تغری بردی، جمال الدین، (۱۹۳۵)، النجوم الازهر فی ملوک مصر و قاهره، قاهره، مطبعه دار الکتب المصریه
۳. ابن خلدون، عبدالرحمن (۱۳۸۳)، مقدمه، ترجمه محمد پروین گنابادی، ج ۱ و ۳، تهران، علمی و فرهنگی
۴. ----- (۱۳۵۷)، العبر، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی
۵. ابن صیرفی، علی بن منجب (۱۴۲۹)، الاشارة الی نال الوزاره، تحقیق عبدالله مخلص، مطبعه المحمد العلی الفرسی
۶. آربری و دیگران (۱۳۹۰)، تاریخ اسلام کمبریج، ترجمه احمد آرام، تهران، امیرکبیر
۷. تامر، عارف (۱۳۷۷)، اسماعیلیه و قرامطه، ترجمه حمیرا زمردی، تهران، جامی
۸. ----- (۱۹۸۰)، الموسوعه التاريخچه للخلفا الفاطمین، ج ۵ و ۴، قاهره، دارالجلیل
۹. چلونگر، محمد علی (۱۳۹۰)، تاریخ فاطمیان و حمدانیان، تهران، سمت
۱۰. حافظ ابرو (۱۳۷۵)، جغرافیای حافظ ابرو، تصحیح صادق سجادی، تهران، بنیان
۱۱. حسن، ابراهیم حسن (۱۹۳۲)، الفاطمیون فی المصر، قاهره، ج ۳، الامیریة قاهره

۱۲. حلبی، علی اصغر(۱۳۹۰)، تاریخ انیشه های سیاسی در ایران و اسلامف تهران، پیام نور
۱۳. خرابشه، سلیمان( ۱۳۸۵)، رقابت عباسیان و فاطمیان در سیادت بر حرمین شریفین، ترجمه رسول جعفریان، تهران، مشعر
۱۴. خواندمیر، غیاث الدین بن هماملدین (۱۳۸۰)، حبیب السیر فی اخبار افراد بشر، تصحیح جلال الدین همائی، ج ۲، تهران، علمی و فرهنگی
۱۵. خواندمیر، غیاث الدین ( ۱۳۵۵)، دستور الوزراء، تصحیح سعید نفیس، تهران، علمی و فرهنگی
۱۶. داج، بایار(۱۳۶۷)، دانشگاه الازهر تاریخ هزار ساله تعلیمات اسلامی، ترجمه آذر میرخت مشایخ فریدونی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی
۱۷. داودی، تقی(۱۳۷۷)، نهضت حسن صباح، زنجان، بی نا
۱۸. -----(۱۳۷۸)، مختصری در تاریخ اسماعیلیه، ترجمه فریدون بدره ای، تهران، فروزان
۱۹. -----(۱۳۸۶)، تاریخ عقاید اسماعیلیه، ترجمه فریدون بدره ای، تهران، فروزان
۲۰. رشاد، محمد(۱۳۷۳)، جنگ های صلیبی، تهران، اندیشه
۲۱. زیدان، جرجی(۱۳۸۹)، تاریخ تمدن اسلامی، ترجمه علی جواهر کلام، ج ۴، تهران، امیرکبیر
۲۲. سیف آزاد، عبدالرحمن(۱۳۴۱)، خلفای فاطمی، تهران، اداره مجله ایران باستان
۲۳. شهیدی پاک، محمد رضا(۱۳۹۲)، تاریخ تشکیلات در اسلام، قم، مرکز ترجمه و نشر المصطفی
۲۴. شبیبی، کامل مصطفی(۱۹۲۷)، تصوف و تشیع، ترجمه علی امیر شهابی، تهران، انتشارات دانشگاه
۲۵. صنهاجی، ابن عبدالله محمد(۱۳۷۸)، اخبار ملوک بنی عبدالله و سیرتهم، ترجمه حجت الله جودکی، تهران، امیرکبیر
۲۶. عماد زاده، حسین( ۱۳۷۰)، تاریخ مفصل اسلام، تهران، اسلام

۲۷. فضایی، یوسف (۱۳۷۴)، مذهب اسماعیلی و نهضت حسن صباح، تهران، عطائی
۲۸. فواید سید، ایمن (۲۰۰۷)، الدوله الفاطمیه فی مصر، قاهره، آثار اشرفیه
۲۹. قادری، حاتم (۱۳۹۴)، تاریخ اندیشه های سیاسی، تهران، سمت
۳۰. قاضی نعمان (۱۴۱۶)، افتتاح الدعوه، تحقیق فرحات الدشراوی، تونس، مدرسه الاعلمی  
للمطبوعات الجامعیه
۳۱. قره چانلو، حسین (۱۳۸۰)، جغرافیای تاریخی کشورهای اسلامی، ج ۲، تهران، سمت
۳۲. کاشانی، علی بن محمد ابوالقاسم (۱۳۶۶)، زبده التواریخ، تصحیح محمد تقی دانش پژوه،  
تهران، علمی و فرهنگی
۳۳. کراچگوفسکی، ایگناتی یولیوویچ (۱۳۷۹)، تاریخ نوشته های جغرافیایی در جهان اسلام،  
ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، علمی و فرهنگی
۳۴. لوئیس و دیگران (۱۳۶۳)، اسماعیلیان در تاریخ، ترجمه یعقوب آژند، تهران، نشر نی
۳۵. ----- (۱۳۶۲)، بنیادهای کیش اسماعیلی، ترجمه ابوالقاسم سری، تهران، ویسمن
۳۶. لین پل و دیگران (۱۳۶۳)، طبقات سلاطین اسلام، ترجمه عباس اقبال، تهران، دنیای کتاب
۳۷. معزی، مریم (۱۳۹۰)، تاریخ حمدانیان و فاطمیان، تهران، سمت
۳۸. مقریزی، تقی الدین (۱۴۱۶)، اتعاظ الحنفا باخبار الائمه الفاطمین الخلفا، تحقیق محمد  
حلمی، قاهره، دار التراث اسلامی
۳۹. مناوی، محمد حمدی (۱۱۱۹)، الوزراء و الوزراء فی العصر الفاطمی، قاهره، دار المعارف مصر
۴۰. ناصری طاهری، عبدالله (۱۳۷۹)، فاطمیان در مصر، قم، حوزه و دانشگاه
۴۱. واکر، پل ارنست (۱۳۸۳)، پژوهش در یکی از امپراتوری های اسلامی، ترجمه فریدون بدره  
ای، تهران، فروزان
۴۲. همدانی، رشید الدین فضل الله (۱۳۸۱)، جامع التواریخ اسماعیلیان و فاطمیان، تصحیح محمد  
تقی دانش پژوه، تهران، علمی و فرهنگی